



بیانات مقام معظم رهبری در دیدار قشرهای مختلف مردم قم - 19 دی/ 1371

بسم الله الرحمن الرحيم

اولاً به همه‌ی شما برادران و خواهران که با این وضع هوا و جاده‌های دشوار، از شهر قم طی طریق کردید و تشریف آوردید، خوشامد عرض می‌کنم و امیدوارم خدای متعال، شما جوانان هشیار و انقلابی و همه‌ی مردم عزیز قم را، مشمول رحمت و فضل و هدایت و کمک خود قرار دهد.

این روز به یادماندنی، که امسال با شهادت یا رحلت زینب کبری سلام‌الله‌علیها همراه است، باید از چند جهت مورد توجه قرار گیرد: اول این که، چنین روزی در تاریخ معاصر، در حقیقت سرآغاز دوره‌ی مهمی از تاریخ انقلاب بود. این که قمیها، از روحانیان و غیرروحانیان و جوانان و آحاد مردم قم، در صحنه‌ی خونین انقلاب پا گذاشتند و مبارزه‌ای خونین را شروع کردند، چیز کمی نیست، و همین روند بود که انقلاب را به پیروزی رساند. دوم از این باب که شهر قم، حقیقتاً مرکز قیام و کانون جوش و خروش انقلابی مردم بوده است و ان‌شاءالله باید همواره چنین باشد. این شهر، چه به خاطر حوزه‌ی علمیه و چه به خاطر جوانان پرشور و مردم فداکار و انقلابی، مرکز و کانون اصلی است.

مبارزه، چه در دوران نهضت در سال 41 و چه در این دوران، از قم شروع شد. این هم یک جهت دیگر. اما آن جهتی که قابل توجه بیشتری است و بنده راجع به آن می‌خواهم مختصری عرض کنم و بر آن تکیه داشته باشم، جهت پیوستگی انقلاب با دین، معارف اسلامی، روحانیت اسلام و کانون علوم دین است. این، پدیده‌ی مهمی است.

اگر انقلاب ما یک انقلاب دینی نبود و در رأس آن علمای دین نبودند، به پیروزی نمی‌رسید. کما این که شورشها و قیامهای گوناگونی در این کشور به وجود آمده است؛ اما آن جا که با دین و علمای دین آمیخته نبوده، به جایی نرسیده است. این انقلاب وقتی هم به پیروزی رسید، اگر با دین و علمای دین پیوسته نمی‌شد، بعد از پیروزی شکست می‌خورد و دشمنان بر آن غلبه می‌کردند. شما دیدید وقتی بعد از پیروزی انقلاب، در هر گوشه از کشور حادثه‌ای به دست دشمن درست شد، به دستور رهبر عظیم‌الشأن و پیشوا و امام ما رضوان‌الله‌تعالی‌علیه و نفوذ روحانیت و علم دین، فوراً مردم به در آمدند و آتش آن غائله‌ها را خاموش کردند. حتی اگر این مشکل، مشکلی در حد جنگی هشت ساله بود، آن را هم در حقیقت مردم حل کردند. اگر مردم در این جنگ نبودند و پشت سر دفاع مقدس قرار نداشتند، این گونه همراه با سربلندی و پیروزی، تمام نمی‌شد. پس چون انقلاب انقلاب دینی است و در رأس آن رهبری علمای دین و رهبری دینی قرار دارد، بعد از پیروزی هم دشمن نتوانست آن را شکست دهد.

نکته‌ی دیگر این است که چون انقلاب، دینی است و رهبری علمای دین در این انقلاب، نقش مهمی بوده است، دچار انحراف نشده است. اگر غیر از این بود و خوشبین بودیم که دشمن هم آن را شکست نمی‌دهد و حادثه‌ای هم برای پیکره و ظاهر انقلاب پیش نمی‌آید، نهایتاً از داخل منحرف می‌شد. مثلاً با ابرقدرتها می‌ساخت؛ با این و آن کنار می‌آمد و از درون می‌پوسید و شعارهایش از بین می‌رفت. چه چیز مانع از بروز چنین مشکلاتی برای انقلاب اسلامی شد؟ مسلماً دینی بودن انقلاب و رهبری علمای دین و رهبری دینی نگذاشت که انقلاب از مسیر صحیح خود منحرف شود؛ کما این که در بعضی کشورهای دیگر هم انقلابهایی شده بود، ولی به مرور منحرف گردید.



مثلاً پیش از این، در کشور خود ما، انقلاب مشروطیت بود. اما بعد از پیروزی، هنگامی که علما را کنار زدند، از مسیر منحرف شد و مشروطیت به جایی رسید که رضاخان قلد، فردی که ضد همه‌ی آرمانهای مشروطه خواهی بود، به حکومت رسید. اگر انقلاب اسلامی ما هم تحت رهبری دینی نبود، سرنوشتی چون انقلاب مشروطیت پیدا می‌کرد. هر انسان هوشمندی، وقتی توجه می‌کند که اولاً شروع این نهضت و پیروزی آن، ثانیاً بقای جمهوری اسلامی و مضمحل نشدن آن و ثالثاً مستقیم حرکت کردن جمهوری اسلامی و انحراف نشدن آن، به برکت دین و رهبری دینی است، پشت سر آن، یک نکته‌ی دیگر را هم می‌فهمد و آن نکته این است که دشمنان انقلاب اسلامی، چه در خارج و چه در داخل، سعی می‌کنند دین و رهبری دینی را از این انقلاب بگیرند. این، یک امر قهری است. اگر از یک قلعه یا حصار، جوانی کارآمد، جانانه دفاع کند، دشمن آن قلعه و آن حصار، راه را در این می‌بیند که زیر پای آن جوان، حفره و گودالی بکند و او را از بین ببرد.

دشمن، همیشه در صدد است تا نیروی دفاع‌کننده‌ی طرف مقابل را نابود کند و از بین ببرد. چون نیروی پیش برنده و دفاع‌کننده‌ی این انقلاب، عنصر دین و رهبری دینی بوده است، لذا دشمن سعی می‌کند این را از بین ببرد. شما ببینید بعد از پیروزی انقلاب، چقدر علیه حضور رهبری دینی در انقلاب حرف زدند! این حرفها مخصوص بعد از زمان امام هم نیست. کسی خیال نکند کسانی که با رهبری دینی مخالفت می‌کنند، بعد از زمان رحلت امام رضوان‌الله علیه پیدا شده‌اند. ابد! از اول پیروزی انقلاب، همه‌ی کسانی که از دست این انقلاب داغدار بودند، با رهبری و هدایت دینی این انقلاب مخالفت کردند. چرا؟ برای این که انقلاب را از پا در آورند. این، آن هدفی است که دشمن نشانه‌گیری کرده است و باز هم می‌کند.

هدف دشمنان جهانی - اعم از استکبار و در رأس آن امریکا و دیگر خرده‌ریزهای دشمن - در هر نقطه‌ی عالم، در مخالفت با انقلاب ما این است که با «اسلام» مبارزه کنند. اینها با اسلام مخالفند؛ چون که اسلام را باعث کوتاه‌شدن دست غارتگران می‌دانند. با اسلام مخالفند. چون اسلام را موجب بریده شدن پای سگهای ولگردی می‌دانند که به جان خزائن این کشور افتاده بودند. با اسلام مخالفند و آن را ضد حقوق بشر معرفی می‌کنند. هدفشان این است که اسلام را از چشمها بیندازند. این در حالی است که اسلام پرچمدار حقوق بشر است. حقوق بشر یعنی چه؟ آیا فلسطینیهایی که در این سرمای زمستان به وسیله‌ی صهیونیستهای خبیث، از خانه و کاشانه‌ی خود آواره شده‌اند، بشر نیستند؟ اینها حقوق ندارند؟ حقوق بشر درباره‌ی اینها صادق نیست؟ مگر برجسته‌ترین ماده‌ی منشور عمومی حقوق بشر - که این آقایان از آن دم می‌زنند - این نیست که هر کس در خانه‌ی خود آزاد است و حق انتخاب مسکن خود را دارد؟ پس چرا در خانه‌ی اینها وارد شدند و صاحبان آن را از درون خانه‌ی خودشان بیرون کردند؟! مگر فلسطین، خانه‌ی فلسطینیها نیست؟ این حقوق بشر است؟ فلسطینیها بشر نیستند؟ این جوانان مؤمن که جرمشان طرفداری از اسلام است، بشر نیستند؟ این مسلمانانی که در کشور بوسنی هرزگوین، از جانانشان، از خانه‌شان، از میهنشان و از استقلالشان دفاع می‌کنند و این‌طور زیر فشار قرار گرفته‌اند، بشر نیستند؟ اینها حقوق ندارند؟ کیست که امروز ترفند و دروغ خباثت‌آمیز مدعیان حقوق بشر را تشخیص ندهد و درک نکند؟

می‌گویند «به بوسنی هرزگوین اسلحه نفرستید، چون آتش جنگ مشتعل می‌شود!» اینها مظلومند و روز و شب بر سرشان آتش ریخته می‌شود. اکنون که قدرتهای جهانی از اینها دفاع نمی‌کنند، باید بتوانند از خودشان دفاع کنند یا نه؟! عده‌ای از مدعیان صاحب اختیاری و آقایانی و سروری دنیا، در کسوت رئیس چند کشور، دور هم نشستند و تصویب کردند که «نباید به منطقه بوسنی هرزگوین اسلحه فرستاده شود!» این حرفی بی‌معنی، بی‌منطق و خلاف



است. چرا نباید به آن‌جا اسلحه فرستاده شود؟ باید به مظلوم اسلحه بدهند تا از خود دفاع کند. وقتی این تصمیم غلط را گرفتند، ناگهان خبرگزاریها اعلام کردند که «بعضی از کشورها به صربهای مخالف و قاتل مردم بوسنی هرزگوین اسلحه می‌دهند تا مردم بوسنی هرزگوین را قتل عام کنند!» پس چرا چنین مسأله‌ای را از نظرگاهتان دور می‌دارید و با آن مقابله نمی‌کنید؟ حق کشی و زورگویی تا این حد؟ اگر بخواهند چند سلاح به دست مردم مظلوم بوسنی هرزگوین بدهند که مسلمانان مظلوم از خودشان دفاع کنند، فریادشان بلند می‌شود که «منطقه را انباشته از سلاح نکنید! نگذارید جنگ ادامه یابد!» اما از طرف دیگر، انواع سلاح و امکانات را برای صربها می‌فرستند و حتی کارشناسانی سراغ صربها می‌روند و به آنها کمک می‌کنند. آیا مسلمانان باز هم حق ندارند یقین کنند که امروز سیاستهای مستکبرانه‌ی دنیا با اسلام مخالف است و با اسلام مبارزه می‌کند؟

نسبت به جمهوری اسلامی نیز، همین دیدگاه را دارند. با اسلام مخالفند؛ ضداسلام و ضد اعتقاد مردمند؛ ضد ایمان آزادساز مردمند؛ و علت مخالفتشان هم واضح است. اگر اسلام بر این مملکت حکومت نمی‌کرد، امروز هم این مملکت در مشت امریکاییها بود. استفاده می‌کردند و می‌بردند و می‌خوردند و در عوض برای مردم، فساد وارد می‌کردند. خیرات مملکت را می‌بردند و ثروتهایش را می‌چاپیدند؛ کم‌این‌که دهها سال چاپیدند و بردند. مدتی انگلیسیها چاپیدند و بعد هم امریکاییها وارد شدند. اسلام، مانع چپاولگریهاست؛ لذا با اسلام مخالفند. روحانیت معارض آنهاست؛ لذا با روحانیت هم مخالفند. رهبری دینی می‌تواند مردم را به مقابله با اوضاع نابسامان وادار کند؛ لذا با آن هم مخالفند. ما مردم جمهوری اسلامی، باید هشیار باشیم و بفهمیم.

نکته‌ی قطعی و مسلم این است که امریکا، اروپا و همه، قادر نیستند بر خلاف اراده‌ی مردم مسلمان ایران، در مورد این کشور قدمی بردارند و کاری صورت دهند. شما غالب هستید؛ شما قدرتمند هستید؛ شما هستید که علی‌رغم خواست دشمن، توانستید اسلام و جمهوری اسلامی را حفظ و از آن دفاع کنید. شما توانستید توطئه‌ها را در هم بکوبید؛ پس قویتر از آنها هستید. این، نکته‌ای مسلم و قطعی است. اگر بخواهید قدرتتان باقی بماند، باید هشیار باشید؛ همچنانی که تا امروز هم هشیاری به درد این مردم خورده و آنها را نجات داده است. کسانی را که علیه دین و تعالیم دینی و معلمین راستین دین و علما و بزرگان دین اقدام می‌کنند، حرف می‌زنند، توطئه می‌چینند و سعی در ساقط کردن ارزشهای آنان دارند، بشناسید. دشمن را در هر لباسی باید شناخت. جوانان مسلمان، مثل شما جوانان قم و سایر نقاط کشور که بحمدالله مظهر شور و هیجان اسلامی و شعار همراه با شعور و منطق هستید، این شناخت را دارید و خدا را از این بابت شکرگزاریم. اتحاد و اتفاقتان را محکم‌تر و مستحکم‌تر کنید. انقلاب اسلامی دستاورد بزرگی است و برای جمهوری اسلامی و ملت ایران، بزرگترین ارزش است. پیوند میان مردم و مسؤولین؛ پیوند میان آحاد مردم؛ احترام به خدمتگزاران دین؛ احترام به خدمتگزاران کشور و کوشش برای عمق بخشیدن به معارف اسلامی، عواملی است که دشمن را مأیوس می‌کند. این عوامل و ویژگیهاست که راه را برای پیشرفت باز می‌کند. کشور ما بحمدالله سرشار از امکانات بالقوه‌ای است که باید بالفعل شود. سالها دشمنان ما تلاش کردند این امکانات را نابود، یا از آنها به نفع خودشان استفاده کنند. سالها تلاش کردند استعدادها را بمیرانند. لذا، سالهایی هم طول می‌کشد تا همه‌ی اینها مجدداً احیا شود.

ان‌شاءالله آینده‌ی روشن و خوبی - از لحاظ مادی و معنوی - در انتظار ملت عظیم‌الشأن ماست. نور امید را باید همیشه در دلها زنده نگاه‌داریم. با نور امید و با تلاش است که ان‌شاءالله به سر منزل خواهید رسید. البته در این راه، توجه و توسل و دعا و ارتباط با خدا - مخصوصاً از طرف جوانان - نباید فراموش شود. پیغمبر اکرم



صلوات الله وسلامه عليه با آن قدرت ملکوتی، دائم با خدای متعال در حال راز و نیاز و توجه و توسل بود. توسل به ولی الله اعظم ارواحنفاذ و ارتباط قلبی با آن حضرت، جزو وظایف ماست. این ایام و لیالی متبرک را قدر بدانیم. الان در ماه رجب هستیم؛ ماهی که روزهای متبرکی دارد. از این ایام استفاده بردن و معنویت را تقویت کردن و با خدا ارتباط برقرار کردن و ذکر و دعا و توسل را اهمیت دادن از وظایف است. تقویت ارتباط خود با خدا؛ تلاش در مسائل دنیایی - اعم از فراگیری علم و دانش و کوشش در راه سازندگی - آگاه بودن از مسائل سیاسی و اقتصادی و مهمتر از همه، حفظ آن امید، عوامل و ویژگیهایی است که ان شاء الله در آینده - آینده‌ای نه چندان دور - همه‌ی روی زمین را به نور جمهوری اسلامی منور خواهد کرد و بشریت را از برکات اسلام برخوردار خواهد ساخت و ملت ایران را - همچنان که خدای متعال به مسلمانان وعده فرموده است - شاهد یکپارچگی و وحدت بشریت در روی زمین قرار خواهد داد. خداوند ان شاء الله به شما توفیق دهد، شما را حفظ کند و زحمات شما مقبول درگاه مقدس ربوبی قرار گیرد.

والسلام علیکم ورحمة الله و برکاته